



کلید شناخت زبان پارسی

(پارسی نگاری)

مصطفی پاشنگ

کلید شناخت زبان پارسی

(پارسی نگاری)

نویسنده:

مصطفی پاشنگ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	: پاشنگ، مصطفی، ۱۳۲۸
عنوان و نام پدیدآور	: کلید شناخت زبان پارسی (پارسی نگاری)/ نویسنده: مصطفی پاشنگ
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۴۳۴ ص.
شابک	: ۷ - ۶۷۱ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: فارسی - ریشه‌شناسی - تاریخ - واژه‌شناسی
موضوع	: Persian language - Etymology - History - Lexicology
رده‌بندی کنگره	: PIR ۲۹۰۵
رده‌بندی دیویی	: ۴ فا ۲
شماره کتابخانه ملی	: ۵۷۰۸۲۸۷



انتشارات آرون

کلید شناخت زبان پارسی

نویسنده: مصطفی پاشنگ

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۸

چاپ صدف: ۱۱۰۰ نسخه

۸۵۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری،

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvannashr.ir

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
بخش یکم: زبان پارسی	۹
زبان چیست؟	۱۲
دیدگاه گروهی از زبان‌شناسان بزرگ جهان در زمینه‌ی زبان	۱۲
تعریف زبان.....	۱۲
خصوصیات زبان	۱۲
دیدگاه دانشمندان و زبان‌شناسان در زمینه‌ی دستگاه نگارش	۱۵
آیا دستگاه نگارش همه‌ی آن آگاهی‌ها را نوشتاری کرده است؟	۱۷
مردم‌شناسی زبان	۱۸
دیرینگی زبان پارسی	۲۱
روش پژوهش	۲۲
یکم: پژوهش‌های کتابخانه‌ای	۲۲
دوم: پژوهش‌های میدانی	۲۳
بخش دوم: ساختمان زبان پارسی	۲۵
روساخت زبان پارسی	۲۵
ژرف‌ساخت زبان پارسی	۲۶
تکواژه‌های هسته‌ای زبان پارسی.....	۲۷
چند تکواژ هسته‌ای دیگر و گزارشی دوباره	۲۹
خودآزمایی	۴۱
گزارشی دیگر	۴۱
۱- گزارشی دیگر از تکواژه‌های هسته‌ای زبان پارسی.....	۴۲
۲- تکواژه‌های ریشه‌ای سه واکی	۵۱
۳- تکواژه‌های ریشه‌ای ۴ واکی	۵۳
۴- واژگان زبان پارسی	۵۳
بخش سوم: شناسایی تکواژه‌های هسته‌ای زبان پارسی	۵۵
در گفتار مردم امروز ایران.....	۵۵
ویژگی تکواژه‌های هسته‌ای زبان پارسی	۵۸

۶۰.....	پیوند نام‌های باستانی و کهن با زبان امروز.....
۷۳.....	خودآزمایی.....
۷۴.....	شمارگان تکوای‌های هسته‌ای زبان پارسی.....
۷۸.....	بازنگری.....
۸۰.....	خودآزمایی.....
۸۰.....	تکوای‌های ریشه‌ای زبان پارسی.....
۸۶.....	نگرشی دوباره و کوتاهی در زمینه‌ی استاک‌ها.....
۹۲.....	خودآزمایی.....
۹۳.....	بخش چهارم: زبان پارسی از دو دیدگاه.....
۹۷.....	خودآزمایی.....
۹۹.....	بخش پنجم: بازنگری و روش شناسایی اندام‌های بنیادین.....
۱۰۲.....	ویژگی‌های تکوای‌های هسته‌ای زبان پارسی.....
۱۰۴.....	پیوند.....
۱۱۴.....	خودآزمایی.....
۱۱۵.....	بخش ششم: آیین مهر و زبان پارسی.....
۱۱۵.....	ایران پیش از هخامنشیان.....
۱۱۸.....	سوری: نماد توانمندی و سوددهندگی.....
۱۲۲.....	دیرینگی زبان پارسی.....
۱۲۷.....	بخش هفتم: آیا گویشوران امروز ایران پارسی سخن می‌گویند؟.....
۱۲۹.....	روساخت زبان پارسی یا زبان فارسی امروز.....
۱۳۰.....	یکم: پژوهش‌های کتابخانه‌ای.....
۱۳۱.....	دوم: پژوهش‌های میدانی.....
۱۳۷.....	دست‌آورد پژوهش‌های میدانی.....
۱۴۱.....	بازنگری و چکیده‌ی پژوهش‌های میدانی انجام شده.....
۱۵۸.....	خودآزمایی.....
۱۶۱.....	بخش هشتم: چگونه می‌توان پارسی سخن گفت و پارسی نوشت.....
۱۷۲.....	خودآزمایی.....
۱۷۳.....	بخش نهم: زمان و زبان.....
۱۷۳.....	یکم: زبان پارسی در روزگار امروز یا اکنون.....
۱۷۵.....	دوم: گذشته‌ی زبان پارسی.....
۱۷۹.....	بخش دهم: زبان هسته.....
۱۸۱.....	گویشوران پارسی‌زبان.....
۱۸۵.....	۱- زبان پارسی بیش از نوشتاری شدن.....
۱۸۷.....	۲- زبان پارسی پس از نوشتاری شدن.....

۱۹۱.....	بخش یازدهم: زبان امروز ما.....
۱۹۲.....	یکم: پژوهش‌های کتابخانه‌ای.....
۱۹۶.....	دوم: پژوهش‌های میدانی.....
۲۰۵.....	بخش دوازدهم: آموزش زبان پارسی در دوران باستان.....
۲۰۷.....	بخش سیزدهم: در آغاز پارسیان چه کسانی بوده‌اند؟.....
۲۱۰.....	دست‌آورد: زمینه‌ای برای ایران‌شناسی و جغرافی.....
۲۱۰.....	ساگی.....
۲۱۱.....	مرفیان.....
۲۱۲.....	پارتایاتان.....
۲۱۵.....	بخش چهاردهم: آیا زبان دگرگون می‌شود؟.....
۲۱۹.....	هم‌سنجی.....
۲۲۷.....	دست‌آورد و یادآوری.....
۲۳۸.....	پیچازه‌های انگارشی زبان پارسی.....
۲۴۳.....	بخش پانزدهم: باز هم دگرگونی در زبان پارسی.....
۲۴۴.....	دگرگونی در ژرف‌ساخت زبان پارسی.....
۲۴۵.....	روساخت زبان پارسی.....
۲۴۵.....	روساخت در زبان پارسی باستان.....
۲۴۶.....	دگرگونی در زبان پارسی امروز.....
۲۴۶.....	۱- چه داشته‌ایم.....
۲۴۹.....	۲- اکنون چه داریم؟.....
۲۵۰.....	۳- چه کرده‌ایم.....
۲۵۵.....	۴- چه باید کرد؟.....
۲۵۹.....	بخش شانزدهم: سانسکریت.....
۲۶۴.....	پژوهش‌های میدانی در زمینه‌ی زبان سانسکریت.....
۲۶۹.....	دورنگاهی به زبان پارسی.....
۲۷۰.....	یکم: بخش ایستا.....
۲۷۱.....	دوم: بخش گذرا و دگرگون‌شونده.....
۲۸۱.....	بخش هفدهم: آیا نام‌ها واژه هستند؟.....
۲۸۹.....	بخش هجدهم: زبان یا گویش‌ور زبان.....
۲۸۹.....	زبان ناتوان است یا گویش‌ور زبان؟.....
۲۹۷.....	مشکل از زبان فارسی است یا از فارسی زبان؟.....
۲۹۷.....	پدیده‌ی عقب‌ماندگی در زبان و در زبان‌ور.....
۲۹۸.....	نقش رسانه‌های همگانی در ترویج زبان علم و.....
۳۰۰.....	مشکلات رواج زبان فارسی به عنوان زبان علم.....

۳۰۳.....	بخش نوزدهم: گروهی از تکواژهای هسته‌ای زبان پارسی
۳۰۷.....	بخش بیستم: گروهی از تکواژهای ریشه‌ای زبان پارسی
۳۰۷.....	تکواژهای ریشه‌ای زبان پارسی
۳۲۳.....	بخش بیست و یکم: خرد و زبان: گوهر هسته‌ای زبان پارسی
۳۲۳.....	یکم: خردورزی گویشوران زبان پارسی
۳۲۳.....	دوم: خرد ژرف‌ساخت زبان پارسی
۳۲۷.....	چکیده‌ی سخن
۳۳۱.....	کوتاهی در زمینه‌ی تکواژهای هسته‌ای زبان پارسی
۳۴۱.....	خودآزمایی
۳۴۵.....	چند نام از پادشاهان دوران کهن یا ایرام
۳۴۵.....	خواسته
۳۵۳.....	خودآزمایی
۳۵۵.....	بخش بیست و دوم: زبان پارسی در سه دوره‌ی زبانی
۳۵۵.....	کهن، باستان، امروز
۳۶۰.....	بازنگری
۳۶۱.....	خودآزمایی
۳۶۳.....	آموزش
۳۶۵.....	پیشنهاد یک روش
۳۶۷.....	خودآزمایی
۳۶۹.....	بخش بیست و سوم: سامانه‌ی زبان پارسی در درازای زمان
۳۷۵.....	خودآزمایی
۳۷۷.....	بخش بیست و چهارم: خرد گویشور
۳۸۱.....	چکیده سخن
۳۸۱.....	خودآزمایی
۳۸۳.....	بخش بیست و پنجم: چند تکواژ هسته‌ای دیرینه
۳۹۰.....	خودآزمایی
۳۹۱.....	نگرشی دوباره
۳۹۵.....	خودآزمایی
۳۹۷.....	بخش بیست و ششم: زبان مادری
۴۰۲.....	فشرده سخن
۴۰۷.....	خودآزمایی
۴۰۹.....	بخش بیست و هفتم: واژه‌نامه
۴۳۳.....	کتابنامه‌ها

پیشگفتار

هر ایرانی پارسی زبانی خواهان آن است که بداند ایرانیان که نیاکان مردم امروز ایران زمین نامیده می‌شوند در چه روزگارانی از دیدگاه مردم جهان شناخته شدند و زبان آنان دارای چه ویژگی‌هایی بوده است که توانسته در بخش بزرگی از جهان فراگیر شود و آن مردمان یا آن نیاکان بالنده چند تیره بوده‌اند و چه نام‌هایی داشته‌اند و از زبان آنان یا زبان آریایی و یا پارسی باستان چه واژگانی در زبان امروز یا پارسی امروز به‌جا مانده است و آنان در کدامیک از سرزمین‌های ایران بزرگ زندگی می‌کرده‌اند و ده‌ها پرسش دیگر که چون راز در پشت گرد زمان پنهان مانده است.

زمینه‌ی سخن در این کتاب کوچک زبان پارسی است و ژرف‌ساخت این زبان که گویشوران پارسی زبان با آن سخن می‌گویند. برای رسیدن به این خواستگاه و آشکارکردن گوشه‌هایی از آن رازها. ناگزیر با در دیدگاه داشتن پژوهش‌های کتابخانه‌ای که گنجینه‌ای ارزشمند از دانشمندان و پژوهشگران و زبان‌شناسان ایرانی و انیرانی است، پژوهشی میدانی و ژرف‌نگر به بزرگی چندین استان از سرزمین‌های ایران و پژوهشی گذرا از همه‌ی ایران بزرگ انجام پذیرد. تا بتوان پاسخی زبان‌شناسانه به آن پرسش‌ها داده شود و اندام‌های بنیادین به‌ویژه تکواژهای هسته‌ای و ریشه‌ای این زبان کهنسال شناسایی شود و ژرف‌ساخت زبان پارسی در چهارچوب انگارش زبان (ریاضی و زبان) به تماشا گذاشته شود.

اما زمینه‌ی پژوهش نام‌های باستانی شهرها و روستاها و کوه‌های کشور بوده است، زیرا باور بر آن است که این نام‌ها که گروه آنها بیش از بیست هزار نام است، اندام‌های بنیادین زبان پارسی را آشکار می‌کند. زیرا این نام‌ها را مردم ایران بر هستی خود و شهرها و روستاها و کوه‌ها در آن روزگاران گذاشته‌اند و اکنون هم به همان نام‌ها می‌نامند و ژرف‌ساخت این نام‌ها کلید شناخت زبان پارسی نامیده می‌شود. به‌ویژه نام کوه‌های کشور ایران که کمتر در ستیزه‌ی زمانه بوده و گروه فراوانی از این نام‌ها

دگرگون نشده است و از دیدگاه زبان‌شناسی بزرگترین گنجینه نامیده می‌شود، بی‌گمان در این کتاب کوچک شاید نادرستی‌هایی باشد اما باید در دیدگاه داشت که نگارنده از امروز به روزگارانی به دیرینگی چند هزارساله نگریسته است، آن هم از دریچه‌ای به بزرگی دانش اندک خود، بی‌گمان نادرستی‌هایی هست و گوشه‌هایی که از چشم پژوهشگر میدانی به دور مانده است. نگارنده با پوزش خواهی هم خواهان بخشش است و هم نیازمند یاری.

با سپاس و درود

مصطفی پاشنگ

بخش یکم

زبان پارسی

زبان پارسی در دوران بالندگی پهنه‌ی بسیار گسترده‌ای از جهان را فراگیر شده است، بی‌گمان در ذهن هر ایرانی پارسی زبان پرسش‌های فراوانی خواهد آمد. پرسش‌هایی که پاسخ دادن به آن پرسش‌ها نیازمند پژوهشی میدانی و ژرف‌نگر بوده، تا پاسخی زبان‌شناسانه داده شود.

بی‌گمان هر پارسی‌زبانی در زمینه‌ی زبان مادری خود و یا زبان پارسی کم و بیش به اندیشه نشسته و پرسش‌های فراوانی در زمینه‌ی زبان پارسی به مغز او راه یافته است. پرسش‌هایی مانند:

۱- زبان پارسی در چه روزگارانی ساخته شده است؟ و یا آغاز زبان پارسی چه روزگارانی بوده است؟

۲- کدام مردم یا تیره یا دوده‌ی ایرانی زبان پارسی را ساخته‌اند؟

۳- چه نام‌هایی داشتند و در کدامیک از سرزمین‌های ایران زندگی می‌کردند؟

۴- در چه روزگارانی زبان پارسی به نام زبان مردم ایران به جهان کهن و پس از آن به جهان باستان شناسانده شده است.

۵- زبان پارسی در دوران باستان دارای چه ویژگی‌هایی بوده است که توانسته تا بخش بزرگی از جهان فراگیر شود. آن هم با آن راه‌ها و رسانه‌های آن روزگاران؟

۶- آیا زبان پارسی در دوران کهن یا باستان دارای دستور زبان بوده است؟

۷- زبان پارسی امروز چه کم دارد که پاسخگوی نیاز گویشوران خود نبوده و به دریگی واژه نشسته است؟

۷- زبان پارسی از دوران کهن تا به امروز چه دگرگونی‌هایی داشته است؟

۸- کدامیک از ویژگی‌ها و برتری‌های زبان پارسی در دوران باستان در زبان پارسی

امروز به چشم می‌خورد؟

- ۹- زبان پارسی در دوران کهن یا باستان به چه زبان‌هایی آمیخته شده است؟
- ۹- از زبان پارسی دوران کهن چه واژگانی به زبان امروز راه یافته است؟
- ۱۰- زبان‌ها دارای اندام‌های بنیادین یا شناسه‌های زبانی هستند، اگر نباشند زبان نامیده نمی‌شود. زبان گونه یا گویش خوانده می‌شوند. زبان پارسی امروز چه گروه از اندام‌های بنیادین زبان هسته یا زبان پارسی باستان را در خود دارد؟
- ۱۰- زبان پارسی در چه روزگارانی نوشتاری شده است؟
- ۱۱- آیا ایرانیان امروز و یا پارسی‌زبانان امروز زبان مادر خود را ریشه‌ای می‌شناسند؟ و یا از ژرف‌ساخت واژگانی که در گفتار و نوشتار خود به کار می‌گیرند آگاه هستند؟
- ۱۲- آیا در هنگام نوشتاری کردن زبان پارسی همه‌ی اندام‌های زبانی زبان پارسی در دوران کهن و باستان نوشتاری شده است؟
- ۱۳- آیا زبان پارسی گزارش‌کننده‌ی نیازها و خواسته‌های درونی و بیرونی گویشوران پارسی زبان است؟ و یا تنها دست ابزار گویش است؟
- ۱۴- آیا زبان بر اندیشه و خرد و منش گویشوران خود نوزن است؟
- ۱۵- زبان چیست؟
- ۱۶- در دنیای امروز که پدیده‌ها و نوآوری بسیار پرشتاب به سوی بالندگی می‌روند و زبان‌ها ناگزیر به پیشرفت بوده و باید با زایایی خود واژه‌سازی کنند، زبان پارسی امروز پاسخگو هست؟ و می‌تواند نیاز گویشوران خود را برآورده کند؟
- ۱۷- اگر زبان پارسی پاسخگوی نیاز گویشوران خود نیست، گناه از زبان پارسی است یا از گویشوران پارسی‌زبان؟ و شاید ده‌ها پرسش دیگر.
- اما پیش از پرداختن به هر سخن، شایسته است که گفته شود: زبان پارسی که گزارش‌کننده‌ی فرهنگ مردم ایران زمین است دیرینگی چند هزار ساله دارد و ما مردم امروز دوره‌ای کوتاه را از این چند هزار سال دیرینگی، از آن خود می‌دانیم. از سوی دیگر این کتاب کوچک که اگر بشود آن را کتاب نامید، دست‌رنج پژوهشی میدانی و ژرف‌نگر است که با در دیدگاه داشتن پژوهش‌های کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است و پیش از پرداختن به نگارش این کتاب کوچک بیش از چهل سال در زمینه‌ی ژرف‌ساخت زبان پارسی کوشیده و فرهنگ سه جلد پاشنگ را فراهم کرده تا گواه بر درستی پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده در این کتاب کوچک باشد. از سویی گفته شد که ما پارسی‌زبانان امروز در دوره‌ی کوتاهی از آن چند هزار سال زندگی می‌کنیم. اما زمینه‌ی

پژوهش‌های میدانی این کتاب زبان پارسی است و زبان دوره و زمان نمی‌شناسد. زبان گزارش‌کننده فرهنگ است و فرهنگ خرد و آگاهی مردم یک کشور از آغاز تا اکنون است، دوره‌ای چند هزار ساله. روزگاری پیش از دوره‌ی ماد (مادا) تا به امروز که ما در آن زندگی می‌کنیم.

در این رهگذر زمان، از امروز دوره‌ای را تا چند هزار سال پیش می‌نگریم، روزگارانی که بخش‌هایی از آن تاریک است، بی‌گمان گاهی با گمانه‌ها روبه‌رو هستیم. مانند اینکه در پژوهش‌های میدانی آغازین نمایان شد ساگیت‌ها که نام تیره‌ای از پارس‌ها در دوران فرمان‌روایی مادا شناسایی شده‌اند در دامنه‌های زاگرس زندگی می‌کردند. اما پس از پژوهش‌های میدانی گسترده نمایان شد: که آن مردمان پراکنده، در استانهای سپاهان، مرکزی، ایلام، کردستان، سیستان و بلوچستان پراکنده بوده‌اند و ده‌ها نام کوه و دره بودن آن مردمان را در سراسر ایران بزرگ گواهی کرده است. از سوی دیگر یک پژوهشگر میدانی در زمینه‌ی زبان همه‌ی آیین‌ها و دین‌ها و رسم‌ها و تیره‌ها و نام‌ها را گرمی پنداشته و بدون هیچ گونه یکسوگرایی دستاورد پژوهش خود را گزارش می‌کند و باور بر این است که همه‌ی مردم ایران دارای هوش و خرد هستند و زبان آنان پیوندی از نوا + خرد است. پس دآوری در زمینه‌ی پرسش‌های انجام شده به خوانندگان این نوشته واگذار می‌شود. چون باور بر آن است که هر ایرانی در هر کجا از ایران بزرگ که زندگی می‌کند، شایسته است که در زمینه‌ی زبان خود به اندیشه بنشیند، زیرا که زبان پارسی شناسنامه‌ی مردم ایران زمین در پهنه‌ی جهانی است.

در این کتاب کوشش بر آن است که گرد زمانه از چهره‌ی این زبان کهنسان که گزارش‌کننده‌ی فرهنگ چند هزار ساله‌ی مردم ایران زمین است بستریم، تا نمایان شود: زبان پارسی چگونه زبانی بوده است و ساختمان بنیادین و یا شناسه‌های زبانی این زبان کهنسال دارای چه ویژگی‌هایی بوده و هست که توانسته در برابر این همه تازش‌ها و گرد زمان و زمانسوز شدن و بی‌مهری‌ها و یکسوگرایی‌ها، به‌ویژه بی‌مهری‌های درونی تا کنون پایدار بماند و اکنون یا در این روزگاری که ما در آن زندگی می‌کنیم از این زبان و فرهنگ چه داریم و اکنون که هستیم. اما شایسته است که پیش از گزارش پژوهش‌های میدانی در زمینه‌ی زبان پارسی با تکیه بر پژوهش‌های کتابخانه‌ای دیدگاه گروهی از دانشمندان و زبان‌شناسان بزرگ جهانی را گزارش کنیم. به‌ویژه که کتابهای این بزرگان

زمینه‌ی آموزش در دانشگاه‌های ایران امروز هم هست. پژوهش‌های کتابخانه‌ای در زمینه‌ی زبان است و پرسش: زبان چیست؟

زبان چیست؟

دیدگاه گروهی از زبان‌شناسان بزرگ جهان در زمینه‌ی زبان

۱- در کتاب درس‌های زبان‌شناسی همگانی، فردیناند دوسوسور، ترجمه نازیلا خلخالی، رویه‌ی ۳۶.

تعریف زبان

۱- موضوع هم جامع و هم مانع زبان‌شناسی چیست؟ سوالی است بالاخص مشکل. بعدها علت را خواهیم فهمید؛ فعلاً کار ما محدود به تفهیم این مشکل است.

۲- در کتاب: رفتار شناسی زبان تاریخی، نبشته‌ی رحیم ذوالنور، رویه‌ی ۱۳ آمده است: «زبان نوعی رفتار انسانی است که دارای طرح است، یعنی دارای قوانینی است ساخته و پرداخته انسان که گذشته زمان به دلیل عوامل اجتماعی آن را تغییر می‌دهد و از آنجا که پدیده‌ای است اجتماعی و کاربردی جز حمل اندیشه‌های انسانی ندارد و...».

۳- زبان‌شناسی و زبان، نبشته‌ی جولیا اس. فالك، ترجمه‌ی خسرو غلامعلی‌زاده رویه ۱۸، آمده است: «برخوردهای روزانه ما با زبان چنان طبیعی و گسترده است که به‌ندرت آن را موضوعی در خور مطالعه جدی تلقی می‌کنیم. زبان همیشه در دسترس است و اغلب بدون هیچ آگاهانه‌ای بی‌اختیار آن را به کار می‌بریم. همه‌ی انسان‌ها از دوران کودکی بر زبان تسلط پیدا می‌کنند و آن را به کار می‌برند. ظاهراً چیز جالب توجه خاصی در مورد پدیده پیش پا افتاده‌ای همچو زبان وجود ندارد».

۴- جورج یول در کتاب بررسی زبان، ترجمه‌ی دکتر اسماعیل جاویدان و دکتر حسین وثوقی، رویه‌ی ۳۰، از کتاب رنه دکارت ۱۶۳۵، آورده است:

خصوصیات زبان

بسیار جالب و قابل تأمل است که هیچ انسانی آنقدر کودن نیست که نتواند واژه‌های مختلفی را با هم ترکیب کرده و از آنها جمله‌هائی بسازد که به‌وسیله آنها افکار و عقاید

خویش را بازگو کند. این کار حتی از عهده آدم‌های سفیه و ابله نیز برمی‌آید، اما برخلاف آن هیچ حیوانی یافت نمی‌شود که قادر به انجام چنین کاری باشد هر چقدر هم محیط زیست آن از شرایط مطلوبی برخوردار باشد. رنه دکارت (۱۶۳۷)

برای کوتاه شدن زمینه‌ی سخن به این چهار دیدگاه زبان‌شناسی بسنده می‌شود. اما زبان چیست؟ به‌ویژه زبان پارسی که زبان مردم ایران زمین نامیده می‌شود، نیکوتر آن است که خود به اندیشه بنشینید و یا اینکه خود را بیازمایید آن هم با همه‌ی اندوخته‌هایی که از دستگاه نگارش و آموزش زبان پارسی در یادمان خود دارید. آن هم با پرسیدن چند پرسش کوتاه. مانند اینکه از خود ژرف‌ساخت نام‌های باستانی زیرا را بپرسیم:

- ۱- تهران به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
 - ۲- شمران به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
 - ۳- کرج به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
 - ۴- کاشان به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
 - ۵- کرمان به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
 - ۶- ری به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
 - ۷- کاشمر به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
 - ۸- کهگیلویه به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
 - ۹- مازندران به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
 - ۱۰- ساری به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
- و یا نام چند خیابان و برزن در شهر بزرگ تهران مانند:

- ۱- دروس به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
- ۲- جی به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
- ۳- دستگری به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
- ۴- جابان به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
- ۵- دزاشیب به چه ما نیک است (یعنی چه؟)

و یا نام چند بخش و دهستان در پیرامون شهر تهران مانند:

- ۱- اوشان به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
- ۲- فشم به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
- ۳- ایرا به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
- ۴- روته به چه ما نیک است (یعنی چه؟)
- ۵- میگون به چه ما نیک است (یعنی چه؟)

نگارنده نمی‌خواهد بگوید که خدای ناکرده گویشوران پارسی زبان چنان از زبان و فرهنگ خود به دور افتاده‌اند که ریشه یا ژرف‌ساخت نام زادگاه خود را هم نمی‌دانند، نه، چنین نیست، این یک آزمون است.

هنگامی که ما ایرانیان می‌گوییم که دارای فرهنگی چند هزار ساله هستیم. شایسته است که گوشه‌هایی از این فرهنگ چند هزار ساله را در یادمان خود داشته باشیم. این نام‌ها هم گوشه‌هایی از آن فرهنگ است که نیاکان ما ایرانیان بر شهرها و روستاهای خود گذاشته‌اند. بی‌گمان در آن روزگاران زبان نوشتاری نبوده گفتاری بوده است. اما گوهر درون آن گفتار نشانگر پیوند (نوا + خرد) است. برای استواری سخن ما نیک و گوهر درون چند نام نوشته شده گزارش می‌شود. اما اینکه این نام‌ها چگونه ساخته شده‌اند و اندام‌های بنیادین این نام کدام هستند در بخش‌های دیگر نوشته خواهد شد.

۱- دروس (darus) = هوشیاری.

۲- تهران (teh-rān) = ساخته شده‌ی آراسته.

۳- کاشان (Kāšān) = خانه‌های دوست‌داشتنی.

۴- کرمان (kermān) = ساخته شده برای ماندگاری.

۵- دروس (darus) = هوشیاری.

۶- جی (je) = زندگی.

۷- دستگردی (dastgardi) = شهر تماشایی.

۸- جابان (jābān) = نگهبان زندگی.

۹- دزاشیب (dezašib) = دژ پارسایان.

بی‌گمان برای کسانی که ژرف‌ساخت زبان پارسی را به خوبی نمی‌دانند کمی ناباور است. اما این یک آزمون است. یک خودشناسی در زمینه‌ی زبان پارسی و یا زبان گفتاری‌ای که ما ایرانیان به کار می‌گیریم. این آزمون برای آن نیست که دیگران بدانند شما در زمینه زبان خود چه می‌دانید. برای آن است که خود بدانید در زمینه‌ی فرهنگ و زبان خود چه می‌دانند و خود را باور کنید نه دیگران شما را باور کنند.

بی‌گمان این نام‌ها را مردم ایران یا کسانی که در این شهرها زندگی می‌کنند هر روز به زبان می‌رانند. اما هیچگاه در زمینه‌ی ژرف‌ساخت این نام‌ها اندیشه نمی‌کنند. این نام‌ها در دستگاه نگارش، مانند روزنامه‌ها و در رسانه‌های گفتاری و زبان گفتاری ایرانیان هر روزه به کار گرفته می‌شود. از روزگار نوشتاری شدن زبان پارسی تا کنون بی‌گمان

هزاران بار در کتاب‌ها این نام‌ها نوشته شده‌اند، اما هیچگاه ژرف‌ساخت یا ما نیک و گوهر (معنی) این نام‌ها گزارش نشده است، از سویی بی‌گمان به ذهن کسانی که در این شهرها زندگی می‌کنند هزاران بار آمده است که تهران و یا کاشان، کرمان و... به چه ما نیک است.

۱- زبان گزارش‌کننده‌ی فرهنگ و خردورزی‌های مردم یک کشور از دورانی نشناخته تا اکنون است.

دستگاه نگارش گزینشی دلخواه از گوشه‌هایی از این فرهنگ و خردورزی‌هاست.

۲- زبان مرز و زمان نمی‌شناسد، گستره‌ای فراتر از مرزها داشته و زمان برای زبان از آغاز تا اکنون است.

دستگاه نگارش یک پادکهِ^۱ بسته در بخشی جدا شده از زمان است.

اگر بخواهیم ساده‌تر بگوییم: دستگاه نگارش روزگاری جدا شده از فرهنگ است (از دوران نوشتاری شدن تا اکنون است).

هر آنچه که در دستگاه نگارش فراهم آمده گزارش‌هایی بریده بریده از گوشه‌هایی از زبان و فرهنگ است که بیشتر فرمایشی بوده و آغشته و آگشته گزارش‌کننده‌ی، کنش و واکنش دستوران بوده است، نه گزارش‌کننده پیوند اندیشه و زبان و یا گزارش‌کننده خردگوشوران آن زبان در زمان.

پس با ژرف‌نگری می‌توان گفت: دستگاه نگارش زبان نیست، نشانه‌های زبانی است که کاربرد آموزش زبان را دارد. نیکوتر است دیدگاه دانشمندان و زبان‌شناسان را هم در زمینه‌ی دستگاه نگارش و زبان بدانیم.

دیدگاه دانشمندان و زبان‌شناسان در زمینه‌ی دستگاه نگارش

لئونارد بلومفیلد. در کتاب زبان (ترجمه محمد حق‌شناس - چاپ یکم - ۱۳۷۹) مرکز نشر دانشگاهی، رویه‌ی ۶ نوشته است:

تنها در قرن گذشته یا در همان حدود بود که زبان به شیوه‌ای علمی، یعنی از طریق مشاهده دقیق و فراگیر، مورد مطالعه قرار گرفت؛ موارد معدودی را که حکم استثناء بر این قاعده دارند، در همین زیر طرح و شرح می‌کنیم. پس زبان‌شناسی در مفهوم مطالعه زبان در مراحل آغازینش قرار دارد و دانشی که اینک زیر عنوان فراهم آمده، هنوز به صورت بخشی از آموزش رسمی و سنتی ما در نیامده است و آنچه به نام دستور زبان و

^۱ - پادکهِ = جعبه.

دیگر آموزش‌های زبانی در مدارس به دانش‌آموزان عرضه می‌شود چیزی جز انتقال مفاهیم و آراء سنتی نیست. از همین‌روست که بسیاری از مردم هنگامی که شروع به مطالعهٔ زبان‌شناسی می‌کنند خود را با دشواری‌های فراوان رویارو می‌بینند، آن هم نه بر سر درک و فهم شیوه‌ها و نتایج این علم (که همگی به اندازه‌ی کافی ساده هستند) بلکه بر سر اینکه چگونه گریبان خود را از چنگ انبوه مفاهیم قبلی و تعصب‌آمیزی بیرون آورند که از رهگذر آموزه‌های مدرسی رایج بر ما تحمیل شده است... و در صفحه ۲۵ همان کتاب آمده است. خط و نگارش اصولاً زبان نیست، بلکه صرفاً شیوه‌ای برای ضبط زبان به کمک علائم دیداری است. در برخی کشورها مثل چین و مصر و بین‌النهرین از خط و نگارش هزاران سال پیش از این استفاده می‌کرده‌اند ولی بسیاری از زبان‌ها که امروزه به آنها سخن می‌گویند، هنوز هم یا از خط و نگارش محرومند و یا به تازگی به آن مجهز شده‌اند. از این گذشته تا پیش از عصر چاپ تنها گروه محدودی از سواد بهره‌مند بودند. زبان‌ها تقریباً در تمام طول تاریخشان تنها در گفتار ملت‌هایی ظاهراً می‌شده‌اند که نه سواد خواندن داشته‌اند و نه نوشتن ولی زبان‌های همین ملت‌ها در عین حال به همان اندازه پایدار و توانمندند که زبان‌های ملت‌های با سواد، هر زبانی همان هست که هست، صرف‌نظر از آنکه برای ضبط آن از کدام دستگاه نگارش بهره بگیرند. درست همانطور که هر آدمی دقیقاً همان است که هست صرف‌نظر از آنکه چگونه از او عکس بگیرند. ژاپنی‌ها سه دستگاه نگارش متفاوت دارند و حالا هم دارند دستگاه چهارمی را طرح می‌ریزند. ترکان عثمانی بعد از آنکه الفبای لاتین را در سال ۱۹۲۸ به جای الفبای عربی اختیار کردند باز هم با همان شیوه به زبان‌شان حرف می‌زنند که پیش از آن برای آنکه به مطالعهٔ خط و نگارش بپردازیم باید چیزی دربارهٔ زبان بدانیم و... به راستی که باید چیزی درباره‌ی زبان بدانیم. از سویی همه‌ی دستگاه‌های نگارش با هم برابر نیستند. زبان جایگاه اندیشه‌گان است. زبان مردم یک کشور مانند ایران پیش از آنکه دستگاه نگارش ساخته و پرداخته شود. گزارش‌کننده فرهنگ یا همه‌ی آگاهی‌ها و خرد و دانش و هنرهای مردم ایران زمین بوده است. پرسش آن است که:

آیا دستگاه نگارش همه‌ی آن آگاهی‌ها را نوشتاری کرده است؟

آیا دستگاه نگارش با پژوهشی میدانی و ژرف نگر اندام‌های بنیادین زبان پارسی را ساماندهی کرده و در خود دارد؟ اگر چنین باشد آن دستگاه نگارش تا اندکی به زبان نزدیک است، اما باز هم خود زبان نیست. زیرا زبان جایگاه اندیشه گان در درازای زمان است و دستگاه نگارش در بخشی از زمان نبشته شده است و اندیشه گان را در همان بخش از زمان گزارش کرده است، اما اگر دستگاه نگارش فرمایشی بوده و دست ابرار گروهی ویژه باشد زبان نیست، فروتار کننده‌ی زبان بوده و به گونه‌ای سرگرم کننده در پهنه‌ی زمان، آسمان و ریسمان می‌کند و اگر هم دم از فرهنگ و زبان بزند. در روستا ساخت زبان کنش و واکنش می‌کند. بیرونی فرهنگی و درونی فرهنگ نمایی دارد. شایسته است که به زبان پارسی پرداخته شود تا نمایان شود زبان پارسی چگونه زبانی است.

ناگفته نماند سخن از زبان پارسی است، نه زبان فارسی که بیش از نیمی از اندام‌های زبانی آن از زبان تازی است و چنین زبانی گویش خوانده می‌شود زبان نیست. سخن ما در این کتاب زبان پارسی است. زبانی که بنیاد آن (نوا + خرد) است پس شایسته است که به زمینه‌ی سخن بازگردیم.

یک پرسش کلیدی دیگر: زبان پارسی در دوران کهن و باستان دارای چه ویژگی‌هایی بوده است که توانسته تا بخش بزرگی از جهان فراگیر شود؟
زبان پارسی امروز چه کم دارد که پاسخگوی نیاز گویشوران خود نبوده و به دریگی^۱ واژه نبسته است؟

هر ایرانی پارسی‌زبان به خوبی می‌داند که زبان پارسی گزارشگر فرهنگ مردم ایران از آغاز تا اکنون است. بی‌گمان از خود و یا دیگران خواهد پرسید که به سر زبان پارسی چه آمده که بیش از نیمی از زبان پارسی از واژگان تازی شده است آیا گناه از زبان پارسی است یا گویشور زبان پارسی.

در این کتاب کوچک با تکیه بر سه دستاورد پاسخ آن پرسش‌ها داده خواهد شد:

- ۱- پژوهش‌های میدانی گسترده در زمینه‌ی نام‌های باستانی شهرها و روستاها و کوه‌ها و کشتزارها و سرزمین‌های ایران.

^۱. دریگی: دریوزگی، گدایی.

۲- یافته‌های باستان‌شناسی که اکنون در بنسالگاه‌ها (موزه‌ها) نوازشگر نگاه بازدیدکنندگان است.

۳- با تکیه بر انگارش زبان پارسی (ریاضی زبان) و دانش زبان‌شناسی پارسی. در این کتاب ما نمی‌خواهیم بگوییم که در گذشته‌های دور یا در سده‌های گذشته چه کسانی چه گفته‌اند و یا در آن گذشته‌ها چگونه بوده است. زیرا باور درست آن است که فرهنگ و زبان دوره و زمان نمی‌شناسد. زیرا همه‌ی آگاهی‌ها و خرد و دانش و هنر مردم یک کشور را از آغاز تا اکنون فرهنگ مردم آن کشور می‌نامند و زبان گزارش‌کننده‌ی فرهنگ مردم آن کشور از آغاز تا اکنون است و ما می‌خواهیم بگوییم اکنون، همین دوره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم از زبان پارسی و فرهنگ مردم امروز ایران چه داریم و یا اینکه بگوییم زبان پارسی چگونه است، اما در آغاز شایسته است که نمایان شود گویشور پارسی زبان امروز از زبان پارسی یا زبان مادری خودش چه می‌داند و چه دیدگاهی در زمینه‌ی زبان پارسی دارد. پژوهش میدانی در این زمینه را مردم‌شناسی زبان می‌نامند.

مردم‌شناسی زبان

پژوهش در این زمینه به گزارش زیر بوده است:

گروه پژوهش شونده ۲۰۰ تن

مرد: ۱۲۵ تن

زن: ۷۵ تن

دوره‌ی آموزشی پژوهش‌شوندگان از دبیرستان تا کارشناسی

پرسش‌ها: ۱- زبان چیست؟

۲- از زبان پارسی کهن، باستان و دیگر دوره‌های زبانی در زبان پارسی امروز چه واژگانی به‌جا مانده است؟

۳- زبان پارسی چگونه زبانی است؟

پاسخ گویشوران به یکمین پرسش. زبان چیست؟

۱- زبان دست ابزار گویش است.

۲- زبان دست ابزاری است که می‌توان با این دست ابزار نیازها و خواسته‌های

بیرونی و درونی خود را به شنونده گفت و شنونده به خوبی دریافت کند.

۳- زبان دست ابزاری دوسویه است با این دست ابزار می‌توان دانش‌ها و هنرها را گزارش کرد به گونه‌ای که شنونده هم به خوبی دریافت کند.

۴- زبان دست ابزار گویش است. گوینده می‌گوید و شنونده دریافت می‌کند و پاسخ می‌دهد.

۵- زبان یک گروه واژه است که از کودکی به ما آموخته‌اند و هر روز هم به آن افزوده شده. اما نه از زبان پارسی از هر زبانی که توانسته در زبان پارسی جایی پیدا کند و جا بیفتد. ما این واژگان را بهم می‌چسبانیم و نامش را زبان گذاشته‌ایم.

۶- اگر زبان پارسی را می‌گویید که از این زبان دیگر چیزی به جای مانده پر شده از واژگان تازی و انگلیسی و فرانسه و

۷- نابود شده، یک گویش است، زبان نیست.

پرسش دوم: از زبان پارسی کهن، یا پارسی باستان و دیگر دوره‌های زبانی در زبان پارسی امروز چه به جا مانده؟

پاسخ‌ها: ۱- نمی‌دانم، در این زمینه چیزی به ما آموزش ندادند.

۲- زبان همیشه دگرگون می‌شود، گمان نمی‌کنم چیزی به جا مانده باشد.

۳- زبان پارسی آمیخته شده به ویژه با دانش‌ها و پدیده‌های نو که هر روز به آن افزوده می‌شود.

۴- این زبان که ما با آن گفتگو می‌کنیم پارسی نیست. جامه‌ای هزار پرگاله^۱ است که به تن ما دوخته‌اند.

۵- می‌رویم تا تازی زبان شویم، شاید هم بی‌زبان، چون به آنچه که بها نمی‌دهند زبان پارسی است.

۶- اگر بخواهیم نام زبان کنونی را پارسی بگذاریم خنده‌دار شده‌ایم

سرانجام پس از بررسی پاسخ‌های دویست گویشور و دسته‌بندی کردن آنها نمایان شد که پاسخ‌ها آنچنان از هم دور نیست. چنان می‌نمود که پژوهش‌شوندگان به ویژه دانش‌اندوخته‌ها پاسخ‌ها را با برداشتی از آموزه‌های خود داده‌اند، نزدیک به هفتاد پاسخ

^۱ - پرگاله = وصله. پژوهش‌شوندگان با زبان خود سخن می‌گفتند. در زبان آنان واژگان بیگانه به کار می‌رفت اما در این کتاب به زبان پارسی نوشته شد.

چنان نزدیک به هم بود که نشان می‌داد از یک یا چند کتاب برداشت شده است اما دستاورد پژوهش بسیار اندوه‌وار و ناامیدکننده بود:

- ۱- آگاهی گویشوران پارسی‌زبان در زمینه‌ی فرهنگ و زبان پارسی بسیار اندک بود.
- ۲- خودباوری پژوهش‌شوندگان در زمینه‌ی زبان و فرهنگ ایرانیان ناامیدکننده و دور از ذهن می‌نمود.

از سویی باید نمایان می‌شد که پاسخ پژوهش‌شوندگان از چه کتاب‌هایی برداشت شده است. ناگزیر به پژوهش‌های کتابخانه‌ای پرداخته شده پس از بررسی نمایان شد که پاسخ‌ها بیشتر از کتاب‌های آموزشی دانشگاه‌ها برداشت شده است. (نام گروهی از آن کتاب‌ها زیرنویس نبسته می‌شود)^۱

پس از بررسی دستاوردهای پژوهش‌های میدانی در زمینه‌ی مردم‌شناسی زبان پارسی دو دیدگاه دور از هم خود را نشان داد.

یکم: زبان دست ابزار گویش است. زبان همواره دگرگون می‌شود برداشتی بود که گویشوران پارسی زبان از کتاب‌های آموزشی دانشگاهی و یا دوره‌های آموزشی خود کرده بودند و بر باور خود هم استوار بودند.

دوم: برداشت‌هایی گمانه‌ای و پژوهش نشده و یا تراوشی از مغز خود گویشوران که ناهمگونی فراوان داشت.

از سویی باید باور کرد که فرهنگ‌های کشورهای جهان با هم برابر نیستند و زبان مردم هر کشور در دامن فرهنگ مردم همان کشور پرورش یافته و گزارش‌کننده‌ی فرهنگ مردم همان کشور است. پس نمی‌توان یک دستور همگانی زبان برای همه‌ی زبان‌های جهان نوشت و دیدگاه‌ها و آموزش‌های پژوهش‌نشده یک برداشت از روستا و زبان خوانده شده و یکی از نیرنگ‌های^۲ زبان‌شناسی نامیده می‌شود و اینگونه نگاه کردن به زبان پارسی که دیرینگی چند هزارساله دارد نگاهی زبان‌شناسانه نیست. بی‌گمان در

^۱ - الف: درس‌های زبان‌شناسی همگانی (فردیناند دوسوسور) ترجمه نازیلا خلخالی، رویه ۳۶.

ب: رفتارشناسی زبان تاریخی (رحیم ذولتور)، رویه ۱۳.

پ: زبان‌شناسی و زبان (جولیا، اس فالك) ترجمه خسرو غلامعلی زاده، رویه ۱۳.

ت: بررسی زبان جورج یول. ترجمه دکتر اسماعیل جاویدان و دکتر وثوقی رویه ۳۰.

^۲ - در کتاب جنبه‌های سیاسی زبان‌شناسی. نوشته فردریک نیومایر. ترجمه اسماعیل فقیه در این زمینه‌ها بسیار گسترده گزارش شده است.

این کتاب با گزارش چگونگی زبان پارسی گویشوران پارسی‌زبان با دیدگاهی بازتری به زبان پارسی و فرهنگ ایران نگاه خواهند کرد.

زیرا آنچه که در این کتاب نوشته می‌شود گزارش کوتاه از یافته‌های باستان‌شناسی دارد و به نام گواه بر درستی نوشتار یافته‌های پژوهش‌های میدانی گسترده در همه‌ی سرزمین‌های ایران در زیرنویس گزارش می‌شود. در این کتاب آنچه که اکنون هست گزارش می‌شود. نه آنچه که بوده است و اکنون نیست. زیرا که زبان پارسی سخن گویای فرهنگ ایرانیان در درازای زمان است زمانی از آغازی شناخته نشده تا اکنون که ما زندگی می‌کنیم.

دیرینگی زبان پارسی

در زمینه‌ی دیرینگی زبان پارسی دانشمندان زبان‌شناس و ایران‌شناس سخنان گوناگونی نوشته‌اند. اما بیشتر آنها شهرسانی (تمدن) مردم ایران زمین را دیرینه‌تر از ۵۰۰۰ پ.م.^۱ می‌دانند و آن بدان سبب است که یافته‌های باستان‌شناسی در هر گوشه‌ای از ایران سالنامه‌ای را گزارش کرده است مانند اینکه در کتاب باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان نوشته‌ی دکتر سیدمنصور سیدسجادی با تکیه بر یافته‌های شهر سوخته^۲ شهرسانی را ۳۲۰۰ سال پ.م گزارش کرده است و در کتاب حفاری هفت‌تپه دشت خوزستان نوشته‌ی دکتر عزت‌الله نگهبان^۳ با تکیه بر ۱۱۷۰۰۰ مانداک و کته و کتیبه و سنگ‌نوشته که اکنون در بنسالگاهای (موزه‌های) ایران و جهان چشم‌نواز بازدیدکنندگان است گواهی می‌شود که ایرام کهن که ایران پیش از هخامنشیان نامیده می‌شود ۵۰۰۰ سال پ. م دارای شهرسانی (تمدن) بوده و زبان آنان پارسی بوده است و در کتاب نام‌های باستانی استان خوزستان با تکیه بر یافته‌های باستان‌شناسی و دانش زبان‌شناسی پارسی و انگارش زبان (ریاضی زبان) نام ۹۶^۴ پادشاه و نزدیک به ۶۰ نماد خدایان و بیش از ۲۰۰۰ نام باستانی شناسایی و ریشه‌یابی شده است.

^۱ باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان دکتر سیدمنصور سیدسجادی، سازمان میراث فرهنگی کشور. چاپ یکم، رویه ۲۰۷-۲۰۵- سال ۱۳۷۴.

^۲ شهر سوخته: درست این نام شهر سوچه (sučeh) است = شهر درخشان.

^۳ حفاری هفت‌تپه دشت خوزستان. سازمان میراث فرهنگی کشور دکتر عزت‌الله نگهبان (۱۳۷۲).

^۴ الف: برداشت از کتاب نقوش برجسته ایلامی دکتر محمدرحیم صراف رویه ۱۵۵ پادشاهان سلسله آوان.

ب: حفاری هفت‌تپه خوزستان، رویه ۳۷۶، مختصری درباره‌ی تاریخ ایلام دکتر عزت‌الله نگهبان.

نمایان شده است: بیش از ده‌ها روستا و سرزمین و کوه در استان خوزستان از نام پادشاهان و خدایان هزاره‌های چهارم پ.م گرفته شده و مردم ایرام کهن^۱ که ایران پیش از هخامنشیان نامیده می‌شوند به زبان پارسی سخن می‌گفته‌اند و با تکیه بر یافته‌های باستان‌شناسی و کنده‌گری‌ها که از هفت تپه خوزستان به دست آمده پارسی زبان بودن مردم ایران زمین را تا هزاره‌های پنجم پ.م گواهی می‌کند و نشان می‌دهد که زبان رسمی فرمانروایی‌های آن روزگاران پارسی بوده است. اما مردم ایران لهجه‌های گوناگونی داشته‌اند اما ژرف‌ساخت آن لهجه‌ها از هسته‌ی زبان پارسی که زبان رسمی آن روزگاران بوده است به دور نبوده است.

روش پژوهش

برای نگارش این کتاب دو گونه پژوهش انجام گرفته است: «پژوهش‌های کتابخانه‌ای» و «پژوهش‌های میدانی».

یکم: پژوهش‌های کتابخانه‌ای

دانشمندان و زبان‌شناسان در زمینه‌ی زبان‌های پیش از تاخت و تاز تازیان کتاب‌های فراوانی نوشته‌اند. راهنمای زبان‌های باستانی ایران مانند:

- ۱- دکتر محسن ابوالقاسمی، انتشارات سمت، ۱۳۷۵.
 - ۲- تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام دکتر احمد تفضلی، انتشارات سخن، ۱۳۷۵، (به کوشش ژاله آموزگار).
 - ۳- تمدن هخامنشی، علی سامی، شیراز، ۱۳۴۱ و ...
- پژوهش‌های کتابخانه‌ای اگرچه دستاوردهای بسیار ارزنده داشته و آن کتاب‌ها گنجینه‌ای در زمینه‌ی زبان پارسی نامیده می‌شود. اما دو بخش از فرهنگ و زبان مردم ایران را پوشش می‌دهد.

- ۱- سنگ‌نوشته‌ها و کنده‌گری‌ها که ویژه‌ی پادشاهان است.
 - ۲- اوستا و دیگر نوشته‌ها دینیک که ویژه‌ی موبدان است.
- اما از فرهنگ مردم آن روزگاران سخنی به میان نیامده است.

^۱ - گستردگی کشور ایرام، همه‌ی استان خوزستان، لرستان، ایلام، بخشی از استان پارس، استان سیستان و بلوچستان، نیمی از استان سپاهان، استان کرمانشاه و بخش بزرگی از میانرودان بوده است و پایتخت این فرمانروایی که از ۲۹۰۰ تا ۶۴۸ پ.م فرمانروایی کرده‌اند شوش بوده است.

دوم: پژوهش‌های میدانی

تنها ماندگاری که از مردم ایران زمین از دیرینه‌ترین روزگاران به جای مانده است نام‌های کهن و باستانی است. مردم ایران زمین پیش از آغاز شهرسانی (تمدن) و یا پیش از نوشتاری کردن زبان خود بر شهرها و روستاها و کوه‌ها و کشتزارها و کهریزها و رودخانه‌ها و سرزمین‌های خود نام‌هایی بسیار زیبا و پرگوهر و پرمایه (معنی) گذاشته‌اند. ژرف‌ساخت این نام‌های کهن بنیاد و شالوده‌ی زبان پارسی نامیده می‌شود. و همه‌ی اندام‌های زبانی زبان پارسی را از دیرینه‌ترین روزگاران تا به امروز در خود دارد. پژوهش میدانی در زمینه‌ی نام‌های باستانی کشور ایران را در دهه‌ی ۱۳۵۰ آغاز کردم. پژوهش میدانی در این زمینه سال‌ها به درازا کشید. تا سال ۱۳۹۴ آغاز به نگارش کرده و کتاب‌های زیر در این بخش فراهم آمد:

- ۱- نام‌های باستانی استان میانه (نزدیک به دو هزار نام باستانی)
 - ۲- نام‌های باستانی استان تهران (نزدیک به دو هزار نام باستانی)
 - ۳- نام‌های باستانی استان خوزستان (بیش از دو هزار نام باستانی)
 - ۴- نام‌های باستانی استان لرستان (نزدیک به سه هزار نام باستانی)
 - ۵- پژوهشی گذرا در چند استان دیگر (نزدیک به سه هزار نام باستانی)
- و روی هم نزدیک به ۱۲۰۰۰ نام باستانی شناسایی و ریشه‌یابی شده دستمایه‌ی نگارش این کتاب است.

نام‌هایی که گزارش‌کننده فرهنگ مردم ایران زمین از آغاز به گمانه ۷۰۰۰ سال تا اکنون است. و مردم ایران زمین هم‌اکنون این نام‌های باستانی را به زبان می‌رانند و شهرها و روستاها و کوه‌ها و رودها را می‌نامند و بخش بزرگی از فرهنگ آنان نامیده می‌شود.

از سویی با بررسی این دوازده هزار نام باستانی نمایان شده است که مردم سراسر ایران بزرگ تا پیش از تاخت و تاز تازیان دارای یک زبان رسمی بوده اما لهجه‌های گوناگونی داشته‌اند. زیرا در کتاب‌های پژوهشی بالا نمایان کرده است که نام بیش از پنجاه روستا در استان خوزستان با دست‌کم پنجاه روستا در استان خراسان از یک ریشه هستند. و یا نام نزدیک به پنجاه روستا در استان تهران با نزدیک به پنجاه روستا در استان لرستان و یا سیستان و بلوچستان و یا استان میانی (مرکزی) از یک ریشه ساخته

شده‌اند. در بخش هم‌زبانی مردم ایران در این کتاب گروهی از نام‌های آن روستاها خواهد آمد. از سوی دیگر پژوهش‌های گسترده در ایران بزرگ زمینه را فراهم کرده تا بشود به چند پرسش پاسخی زبان شناسانه داد.

۱- زبان پارسی در دوران باستان دارای چه ویژگی‌هایی بوده است که توانسته به بخش بزرگی از جهان کهن و باستان فراگیر شود؟

۲- زبان پارسی امروز چه کم دارد که پاسخگوی نیاز گویشوران خود نبوده و به دریگی^۱ واژه نشسته است؟

۳- زبان پارسی در دوران کهن و باستان یا دوران بالندگی و فراگیری دارای چند هزار اندام زبانی بوده است؟

۴- آیا همه‌ی آن اندام‌های زبانی نوشتاری شده و در فرهنگ و واژه نامه‌های کنونی آمده است.

۵- ساختمان زبان پارسی چگونه بوده است؟

۶- روش آموزش زبان پارسی در دوران کهن و باستان چگونه بوده است که مردم ایران زمین در آن دوران‌ها توانسته‌اند به یک هم‌زبانی سراسری برسند. آن هم با آن راه‌ها و رسانه‌های آن روزگاران؟ و... .

^۱ - دریگی: گدایی.

برای پاسخگویی به این پرسش‌ها شایسته است که از ساختمان زبان پارسی آگاهی داشته باشیم.